



آیا راه حلی بر بحران‌های موجود هست؟

سیاسی و حقوق دموکراتیک، نیز پس مانده ای از بی حقوقی قرون وسطایی توده مردم بود که بادیکناتوری عریان سرمایه‌داری به اصطلاح مدرن تلفیق شده بود. یا به عبارت دیگر در خدمت پاسداری از سرمایه داری ایران در عصر سلطه انحصارات قرار گرفت. تلفیق دین و دولت نیز در دوران رژیم شاه وجود داشت، منتهابه شکل پوشیده آن. به رسمیت شناختن یک‌دین به عنوان دین رسمی کشور و بالنتیجه قایل شدن امتیاز برای یک دین و مذهب خاص، بیانگر این تلفیق پوشیده دین و دولت بود. دستگاه روحانیت نیز نقشی تاثیر گذار بر دولت و سیاست‌های کشور داشت. این واقعیتی است که در دوران رژیم شاه، زنان در مقایسه با امروز از وضعیت بهتری برخوردار بودند، اما این واقعیت، نافی این حقیقت نیست که تبعیض و ستمگری جنسی و نابرابری سیاسی و اجتماعی زن و مرد یک‌اصل قرون وسطایی دوران رژیم شاه نیز بود. رژیم سلطنتی شاه هیچگاه برابری کامل حقوق اجتماعی و سیاسی زن و مرد را حتا به شکل صوری و قانونی آن به رسمیت نشناخت. قوانین دوران رژیم سلطنتی، زن را همچنان شهروند درجه دو، و نصف مرد می‌دانست. ستمگری و تبعیض نسبت به ملل غیر فارس و نابرابری آنها نیز باقی مانده‌ای از همین بقایای قرون وسطایی بود. بنابراین، نه تنها تضادهای لاینحل نظام سرمایه داری بلکه تضادهای ناشی از بقایای نظامات ماقبل سرمایه داری نیز عمل می‌کردند. جمهوری اسلامی این بقایا را به خدمت گرفت، بردامنه آنها افزود و آنچه را که پنهان بود برملا و عریان کرد و بالنتیجه تضادها را تشدید و بحران‌های ناشی از این تضادها را عمیق‌تر و ژرف‌تر کرد. اگر این تضادها اکنون که طرفداران نظام سرمایه داری مدعی هستند، تنها زائیده حکومت اسلامی هستند، در آن صورت این سؤال بدون جواب خواهد ماند که اساسا چرا رژیم سلطنتی شاه باچنان بحرانی روبروگردید که به سرنگونی‌اش انجامید؟ چرا میلیون‌ها تن از توده‌های زحمتکش مردم ایران برای سرنگونی آن رژیم به پا خاستند؟ و البته پاسخی خواهند داشت جز این که از اراده‌ای موهوم مدد بگیرند و آنرا به خواست خدامنتسب سازند که اراده کرد به جای ظل‌الله

این واقعیت بر کسی پوشیده نیست که جامعه ایران در تمام عرصه‌های زندگی اقتصادی - اجتماعی و سیاسی با بحران‌های ژرف روبروست. همگان به واقعیت وجودی بحران اقتصادی بحران‌های اجتماعی و سیاسی اذعان دارند. این بحران‌ها چنان آشکار و غیر قابل کتمان اند که حتی هیئت حاکمه و تمام پاسداران نظم موجود که قاعدتا می‌باید بیماریهای ناعلاج این جامعه را منکر شوند، به هزاران زبان به وجود آنها اعتراف می‌کنند و در عمل نیز نشان می‌دهند که هیچ راه حلی برای این بحران‌ها در چار چوب نظم موجود نیست.

طبقه سرمایه دار و رژیم پاسدار منافع آن در طول چندین سال گذشته، راه حل‌های متعددی را برای غلبه بر این بحران‌ها در دستور کار قرار داده است، با این همه، نه تنها این بحران‌ها حل نشدند، بلکه بالعکس با گذشت زمان ژرف‌تر و گسترده‌تر شدند. گروه‌هایی از بورژوازی به اصطلاح اپوزیسیون ایران می‌کوشند که بر رابطه این لاینحل ماندن بحران‌ها با نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم بر ایران پرده بیاکنند و صرفا آن را با نظام سیاسی موجود مرتبط سازند. آنها ادعا می‌کنند که اگر بحران هست و این بحران‌ها لاینحل مانده اند، علت آن تماما به سیستم سیاسی موجود و البته منظور حکومت مذهبی به شکل کنونی آن باز می‌گردد. اما این ادعا قلب واقعیت است. تردیدی نیست که رژیم بورژوا - مذهبی حاکم بر ایران، به علت خصالت مذهبی خود، به تشدید تضادها و تعمیق بیشتر بحران‌ها یاری رسانده است، اما در اساس، این تضادها از سیستم اقتصادی - اجتماعی سرمایه‌داری حاکم بر ایران برخاسته و حتی پیش از به قدرت رسیدن حکومت اسلامی در ایران به بحران‌های ژرف انجامیده‌اند. آنچه در مورد تضادهای مناسبات تولید صادق است، به نحوی دیگر در مورد تضادهای روبنای سیاسی و تضاد آنها با مناسبات تولید نیز صدق می‌کند. در دوران رژیم سلطنتی شاه نیز بقایای متعدد نهادها و موسسات قرون وسطایی وسیعا در روبنای سیاسی وجود داشت و عمل می‌کرد. رژیم سلطنتی، خود چیز دیگری جز یک نهاد قرون وسطایی نبود. استبداد رژیم شاه و محرومیت مطلق مردم از آزادیهای

صفحه ۲

قانون بودجه،

تداوم خصوصی سازی‌ها و تشدید استثمار کارگران

کارگر سابق که رئیس جمهور شد

خیابان مشهور پائولیستا در مرکز شهر سائوپولوی برزیل پس از ساعت ۱۷ روز یکشنبه ۲۸ اکتبر ۲۰۰۲ باردیگر از جمعیت موج می‌زد، جمعیتی که برای پنجمین عنوان قهرمانی تیم ملی فوتبال گرد نیامده بود، زیرا این گردهم آیی چهارماه پیش از آن به‌پاشده بود؛ جمعیتی که برای راه‌اندازی کارناوال‌های معروف برزیلی به این خیابان نیامده بود، زیرا زمان کارناوال‌های سالانه برزیل هنوز فرانسیده بود؛ صد ها هزار نفری که به خیابان پائولیستا و دیگر خیابان‌های شهرهای برزیل سرازیر شده بودند با فریادهای شادی، گاه همراه با اشک شوق، آمده بودند تا پیروزی لوئیس ایناداسیلوا که لقب "لولا" یا لوئیس کوچولو را دارد جشن بگیرند و این درحالی بود که

منابع یا هزینه کردن آن، تا آنجا که به کارگران و خصوصی سازی‌ها بر می‌گردد، هرکاری این را می‌داند که واگذاری یک کارخانه به بخش خصوصی، معنایش زدن امتیازات کارگران و زیرگرفتن بیش از پیش حقوق کارگران است. ملموس‌ترین و بلاواسطه - ترین نتیجه خصوصی سازی یک کارخانه برای کارگران، تشدید فشار و تشدید استثمار کارگران بوده‌است، معنایش بلاتکلیفی، اخراج و بیکارسازی تمام و یا بخشی از کارگران آن کارخانه است. دولت "اصلاح طلب" که همه جا از جیب کارگران هزینه می‌کند، یک بار هنگام تامین بودجه ازجیب وهستی کارگران مایه می‌گذارد و به قیمت بیکاری و گرسنگی

صفحه ۸

در قانون بودجه سال ۸۱ جمهوری اسلامی، چنین مقرر شده‌است که دولت، ۶ هزار میلیارد ریال از رقم کل بودجه را از محل فروش موسسات و شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی تامین کند. مطابق همین سیاست، در شش ماهه اول سال جاری ما شاهد واگذاری دهها موسسه و کارخانه دولتی و به تبع آن بلاتکلیفی و بیکاری هزاران تن از کارگران بوده ایم. بنا به خبری که در روزنامه کار و کارگردوم آبان درج شده است، اخیرا نیز هیئت وزیران، به منظور تامین ۱۰ هزار میلیارد ریال از کسری بودجه سال ۸۱، تصمیم به فروش شمار بیشتری از شرکت‌های دولتی گرفته و آن را تصویب نموده است. صرف نظر از ماهیت بودجه، چگونگی تامین

صفحه ۵

آیا راه حلی بر بحران های موجود هست؟

خود حکومت الله را قرار دهند و یا در نهایت آن را به اشتباهات اعلیحضرت منتسب سازند که از دیدگاه برخی از آنها بیش از حد نسبت به مردم "سخت گیری" داشت، به حسب دیدگاه برخی دیگر در "توسعه" و "پیشرفت" دادن ایران عجله و تندروی کرد و یا آنگونه که برخی دیگر می گویند بیش از حد نسبت به مردم "ملاطفت" نشان داد و به قدر کافی از زور اسلحه برای آرام کردن نشان استفاده نکرد. نظریه پردازان بورژوازی ایران به ویژه جناح سلطنت طلب آن، بیش از این عقل شان قد نمی دهد که دلیل و توجیهی برای انقلاب مردم ایران و سرنگونی رژیم شاه جستجو کنند. پاسخ نظریه پردازان جناح -های دیگر نیز به همین اندازه سطحی ست. تنها پاسخ علمی را طرفداران سوسیالیسم علمی به این سؤال می دهند که هیچ پیش داورى نسبت به نظم موجود، چشمان آنها را برواقعیت های موجود نمی بندد. پاسخ این است که جامعه ایران به عنوان یک ارگانیک اجتماعی زنده نیازمند تحول است. می خواهد به پیش رود و توسعه یابد، اما طبقه ای که منافع اش در حفظ نظم موجود و پاسداری از مناسبات تولید موجود است، مانع این تحول می گردد. طبقه حاکم، روبنای سیاسی موجود و به ویژه دستگاه دولتی را برای سد کردن این تحول به خدمت می گیرد. حائز نهادها و موسسات قرون وسطایی نیز مدد گرفته تا مانع تحولات گردد. ایجاد این موانع به نحو فزاینده ای منجر به تشدید تضادها، از یک سو در شیوه تولید و از دیگر سو در روبنایی که خود، پاسدار مناسبات کهنه و ارتجاعی می باشد، شده است. لاینحل ماندن این تضادها و تشدید روز افزون آنها به بحران های متعدد انجامیده است. همین نیازها، همین تضادها و همین بحران ها بود که به سرنگونی رژیم سلطنتی شاه منجر شد و دقیقاً عدم تحقق این نیازهای تحول اجتماعی به علت حل نشدن تضادهای موجود است که رژیم جمهوری اسلامی را نیز پیوسته با بحران روبرو ساخته و این بحران ها در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی گسترده تر و ژرف تر شده اند.

بحران اقتصادی موجود به وضوح این حقیقت را نشان می دهد. این بحران، ادامه همان بحرانی ست که در اواسط دهه ۵۰ در اواخر زمامداری رژیم شاه پدید آمد. رژیم شاه قادر به حل این بحران نبود و حتا نتوانست آن را تعدیل کند. این بحران که نتیجه تشدید تضادهای شیوه تولید سرمایه داری و پیوستگی بیش از حد مناسبات تولید سرمایه داری ست، در دوران جمهوری اسلامی نیز تداوم یافت و عمیق تر شد. از هتک های که رفسنجانی در راس قدرت اجرایی حکومت اسلامی قرار گرفت، متخصصین اقتصادی و تمام کار -گزاران سرمایه، هرچه در چننه داشتند به کار گرفتند تا بر این بحران غلبه کنند. نتیجه اما چنان منفی بود که در آخرین سال زمامداری وی به عنوان رئیس جمهور حکومت اسلامی، ابعاد بحران به مراتب وسیع تر از نخستین سال زمامداری وی بود. وی بار دیگر در عمل نشان داد که این بحران، راه حل سرمایه داری ندارد. با این وجود، وقتی که تمام بورژوازی ایران و جهان برای نجات حکومت اسلامی، پشت سر خاتمی قرار گرفتند و او را به قدرت رساندند. ادعا شد که وی قادر به حل بحران ها، از جمله بحران اقتصادی ست. گروه های طرفدار خاتمی در جبهه موسوم به دوم خرداد و بورژوازی بین المللی ادعا کردند که تداوم و تشدید بحران اقتصادی از آن روست که رفسنجانی و گروه کارگزاران، به قدر کافی در اجرای برنامه و سیاست های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی پیگیری نداشته و به قدر کافی امکانات، تسهیلات و امنیت برای سرمایه های داخلی و بین المللی فراهم نکرده اند. لذا با پیگیری هرچه تمام تر سیاست اقتصادی دوران رفسنجانی را پی گرفتند. موسسات دولتی بیشتری را به سرمایه داران بخش خصوصی داخلی و بین المللی واگذار نمودند. تسهیلات و امکانات بی شماری برای سرمایه داران داخلی و بین المللی قابل شدند. قرار دادهای چندین میلیارد دلاری متعددی با انحصارات جهانی منعقد شد. میلیارد ها دلار سرمایه بین المللی به سوی ایران سرازیر شد. اما پنج سال بعد نه تنها بهبودی در اوضاع صورت نگرفته و بحران اقتصادی تعدیل نشده بلکه این بحران همچنان عمیق تر و عمیق تر شده است. در این چند سال، صدها کارخانه و کارگاه تعطیل شده اند. تعدادی از موسسات تولیدی، همچنان زیر ظرفیت تولید خود کار می کنند. رکود به جای خود باقی مانده است. در حالی که سرمایه داران داخلی و بین المللی از رشته های پرسود به ویژه نفت و گاز و پتروشیمی و تجارت سودهای کلانی به جیب زده اند، وضعیت زندگی کارگران پیوسته وخیم تر شده است. هرسال ده ها هزار تن از کارگران اخراج و به صفوف بیکاران افزوده شده اند. نیم میلیون جوانی که در هر سال به بازار کار سرازیر می شوند، اغلب بیکار و بلاتکلیف بر طول و عرض ارتش

بیکاران افزوده اند. سطح دستمزد کارگران شاغل در این چند سال نیز مداوماً تنزل نموده و با بورش های پی در پی دولت و سرمایه داران به سطح معیشت و حقوق کارگران، شرایط زندگی آنها بیش از پیش وخیم و غیر قابل تحمل شده است. اکنون ۷۰ تا ۸۰ درصد جمعیت ایران زیر خط فقر زندگی می کنند و متجاوز از ۵ میلیون بیکار، آه در بساط ندارند. گسترش بی سابقه فقر و گرسنگی، بیکاری، رقم چند میلیونی معتادان، فراگیر شدن فحشاء رسمی به وسعت خیابانهای شهرهای بزرگ، افزایش روز افزون کودکان ولگرد خیابانی، افزایش روز افزون خودکشی در میان مردم زحمتکش، این است بخشی از دست آورد برنامه های اقتصادی بورژوازی ایران در دروان خاتمی. بد هیکار کردن توده های زحمتکش مردم و نسل های آینده بخش دیگری از این دست آوردها ست. مجموع بدهی ایران به انحصارات جهانی اکنون به رقمی حدود ۱۰۰ میلیارد دلار رسیده است. توده های زحمتکش مردم ایران و قبل از همه کارگران، همه ساله باید چندین میلیارد دلار از حاصل دسترنج خود را به عنوان بهره به سرمایه داران بین المللی بپردازند، در حالیکه نفع این وام هانصیب سرمایه داران داخلی و بین المللی شده است. اما این هنوز تمام مطلب نیست. ورشکستگی مالی دولت نیز بار دیگری ست که برگردنه کارگران و زحمتکشان گذاشته شده است. هنوز چند ماهی از سال نگذشته است که دولت با خزانه های تهی روبرو شده است. کسری بودجه دولت هم اکنون به رقمی حدود ۳ هزار میلیارد تومان، نزدیک به ۵ میلیارد دلار رسیده است. راه سهل و ساده وصول این مبلغ، استقرار از بانک های داخلی، چاپ اسکناس، کاهش ارزش پول، افزایش نرخ تورم و خلاصه کاهش بیشتر قدرت خرید کار -گران و زحمتکشان و فقیرتر شدن آنهاست.

آری! سرمایه بیشتری به ایران صادر شده است. سرمایه گذاری بیشتری صورت گرفته است. تسهیلات بیشتری در اختیار سرمایه داران داخلی و بین المللی قرار گرفته است، اما نه تنها بحران حل نشد، بلکه تشدید هم گردید و وضعیت کارگران و زحمتکشان وخیم تر شد. شکست سیاست اقتصادی خاتمی، تنها شکست دیگری بر شکست های هیئت حاکمه نبود. این شکست تمام گروه های بورژوازی ست، خواه از آنهایی که در حاکمیت اند یا در خارج از آن. چرا که آنها هیچیک برنامه اقتصادی دیگری جز برنامه اقتصادی وی نداشته و ندارند و به همین دلیل بود که همه یک پارچه از وی و سیاست -هایش حمایت کردند. این شکست و تداوم و تشدید بحران اقتصادی باز هم نشان می دهد که تضادهای شیوه تولید سرمایه داری در ایران به آن درجه از حدت خود رسیده اند که کل بورژوازی ایران و جهان نیز نتوانستند حتا آنها را تعدیل کنند و از حدت آنها بکاهند. اگر هیچیک از جناح های بورژوازی و سیاست های اقتصادی آنها از او خردوران رژیم شاه تا به امروز قادر به حل این بحران نبوده اند، بیانگر چه چیزی جز این واقعیت است که این تضادها راه حل خود را در خارج از مناسبات تولیدی موجود می طلبند؟ بیانگر چه چیزی جز این واقعیت است که این مناسبات به آن درجه از گندیدگی و پیوستگی رسیده اند که به هیچ روی با مقتضیات و نیازهای تحول سازگاری ندارند؟ تمام واقعیات بحران اقتصادی موجود نشان می دهند که راه حل این تضادها و بحران، راه حل سوسیالیستی نفی مناسبات تولید سرمایه داری ست. اگر این راه حل نتوانسته تاکنون به مرحله اجرا در آید، صرفاً از آن روست که طبقه کارگرایان هنوز در موقعیتی قرار نگرفته است که آن را عملی سازد. نتیجه این تاخیر، انحطاط و سیر قهقراپی ست که جامعه ایران در این چند دهه طی کرده است. اگر طبقه ای که حامل مناسبات کهنه و بازدارنده است، نتواند لا اقل تضادها را تعدیل و بحران ها را تخفیف دهد و طبقه بالنده ای که مدافع و حامل مناسبات نوین است، به هر علتی نتواند به طبقه حاکم و پیشبرنده سیاست های خود تبدیل شود، در آن صورت بن بست و انحطاط، واقعیت گریز ناپذیر جامعه خواهد بود. تاریخ، از این نمونه ها کم نداشته است. جامعه ایران و جمهوری اسلامی حاکم بر آن، حی و حاضر در برابر ما است. در هر حال، راه حل قطعی و درهم شکستن این بن بست و حل تضادها، راه حل سوسیالیستی ست. اما ساده اندیشی ست که کسی تصور کند، این راه حل به این معناست که طبقه کارگر، آن هم در جامعه ای نظیر ایران می خواهد از امروز تا فردا مالکیت خصوصی را ملغاً و سوسیالیسم را برقرار سازد. سوسیالیسم یعنی لغو مالکیت خصوصی و برقراری مالکیت اجتماعی بر وسایل تولید و توزیع. این نیز معنای دیگری جز الغاء مناسبات تولید سرمایه داری، الغاء مناسبات کالایی - پولی ندارد. از این رو پرواضح است که تحقق این امر یک دوران را در بر می گیرد و نه چندین و چند سال. در عین حال در هر کشور سرمایه داری، بسته به درجه رشد و پیشرفت نیرو -های تولیدی و مقدم بر آن آمادگی طبقه کارگر، سرعت این تحولات، متفاوت خواهد بود. در ایران این تحولات با یک رشته مراحل انتقالی انجام خواهد

* تجمع اعتراضی کارگران چیت ری

دوشنبه بیست و دوم مهرماه، بیش از ۵۰۰ تن از کارگران چیت ری باردیگر با اجتماع در برابر این کارخانه در خیابان "فدائیان اسلام" دست به اعتراض زدند و خواهان پرداخت حقوق و مزایای شهریور ماه خود شدند.

* تجمع اعتراضی کارگران مهیاران

کارگران شرکت ریسندگی و بافندگی مهیاران اصفهان روز سه شنبه ۳۰ مهر دست به اعتراض زدند. کارگران در حالی که پلاکاردهایی را در دست داشتند در برابر استانداری اصفهان دست به تجمع زدند و خواستار احقاق حقوق خود شدند. نساجی مهیاران از سال ۷۹ تعطیل شده است. در این دوره مبالغی تحت عنوان بیمه بیکاری به کارگران پرداخت شده است. از ۳۶۰ کارگر این کارخانه ۱۸۰ کارگر دوره دریافت بیمه بیکاری شان تمام شده و مابقی نیز تا آخر سال جاری تمام می شود. کارگران که سالهای متعددی در این کارخانه کار کرده اند و تا ۲۶ سال سابقه کار دارند، در این تجمع اعتراضی خواهان رسیدگی به مشکلات خود شدند.

اخباری از ایران

* اعتراض کارگران کارخانه های مقدم

بنابه گزارش روزنامه رسالت، جمع بسیار زیادی از کارگران کارخانه های مقدم نظر آباد - کرج، در انتقاد به عملکرد کمیته تشخیص مشاغل سخت و زیان آور، دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران که طبق تصمیم کمیته یاد شده، از شمول این طرح خارج شده اند، با اجتماع در سالن کارخانه، مراتب اعتراض و نارضایتی شدید خویش را اعلام کردند.

* تجمع اعتراضی کارگران پروفیل سازی

روز دوشنبه ۶ آبان، بیش از صد تن از کارگران کارخانه پروفیل سازی گیوار در میدان آرژانتین تهران، در برابر ساختمان بنیاد مستضعفان دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران ضمن اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق و قطع بیمه کارگران و اعضا خانواده خود، خواستار پرداخت فوری ۴ ماه حقوق عقب افتاده خود شدند.

* اعتراض کارگران در ارومیه

کارگران شهد سلماس ارومیه با ارسال یک نامه اعتراضی به مطبوعات، نسبت به حالت رکود در کارخانه و خطر تعطیلی آن هشدار دادند. قابل ذکر است که این واحد زیر پوشش بنیاد مستضعفان است و کارگران آن که شدیداً نگران آینده شغلی خود هستند، ضمانت شغلی می خواهند.

* نامه اعتراضی

پرسنل شرکت صنایع امین طرح همدان، در نامه اعتراضی خطاب به مدیر کل استان، نسبت به زورگویی مدیر عامل جدید این شرکت و اخراج کارگران قدیمی، اعتراض کردند.

* چند خبر کوتاه

- ایسنا از قول یک "کارشناس حقوق کودک" گفت: حدود ۱۰۰ هزار کودک معتاد وجود دارد که شمار این کودکان همچنان در حال افزایش است. وی در مورد کودکان که کار می کنند گفت: یک میلیون و ۸۰۰ هزار "کودک کار" در ایران وجود دارد که ۴۰۰ هزار نفر آنها زیر ۱۵ سال دارند.

- وزیر تعاون جمهوری اسلامی چنین اذعان کرد هر خانواده ای که ماهانه کمتر از ۲۵۰ هزار تومان درآمد داشته باشد زیر خط فقر قرار دارد.

آیا راه حلی بر بحران های موجود هست؟

از صفحه ۲

گران و زحمتکش برداشت. این برنامه اما نمی تواند به مرحله اجرا در آید، مگر آنکه ابتکار عمل در عرصه سیاسی در دست کارگران و زحمتکشان قرار گرفته باشد و آنها از طریق ارگان های توده ای خود بتوانند اعمال حاکمیت کنند. مناسب ترین و دمکراتیک ترین شکلی که از طریق آن توده های کارگران و زحمتکشان بتوانند به اعمال حاکمیت بپردازند، شوراهاست. اما شوراها نمی توانند ایجاد شوند و به عنوان ارگان های اقتدار توده ای اعمال حاکمیت کنند مگر آن که کارگران و زحمتکشان ایران طبقه حاکمه را که نماینده مجسم آن جمهوری اسلامی ست سرنگون کنند و تمام دستگاه دولتی بورژوازی را درهم بشکنند. درهم شکستن و به دور ریختن دستگاه دولتی موجود و استقرار دولت شورایی نه فقط پیش شرط ضروری دمکراتیزه کردن کامل حیات سیاسی جامعه - ست و استقرار آن می تواند به کامل ترین شکل ممکن، حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی مردم را تامین نماید، بلکه یگانه دولتی ست که توده های کارگر و زحمتکش می توانند از طریق آن به اعمال حاکمیت مستقیم بپردازند و سرنوشت خود را به دست بگیرند. این یعنی عالی ترین شکل دمکراسی که تاریخ به خود دیده است. استقرار یک دولت شورایی نیز در عین حال اقدام ضروری دیگری ست، برای انتقال به سوسیالیسم. در همین مرحله است که با تحقق مجموعه ای از مطالبات فوری توده های وسیع مردم - بخش وسیعی از تضادهایی که موجب بحران ها بودند، حل خواهد شد و تمام شرایط برای انتقال به سوسیالیسم فراهم می گردد. بنابراین، طبقه کارگر، برای حل معضلات و بحران های موجود جامعه ایران و عده های دور و دراز به مردم نمی دهد. حتا فوری ترین برنامه طبقه کارگر، راه حلی قطعی، عملی و رادیکال بر بحران های موجود است. راه حلی ست رادیکال برای پاسخگویی به نیازهای مبرم جامعه که باز میان برداشتن تمام موانع، به بن بست و بحران پایان خواهد بخشید و روند تحولات اجتماعی را تسریع خواهد نمود.

گرفت. لذا وظیفه نخست طبقه کارگر نه معمول داشتن فوری سوسیالیسم، بلکه انجام اقداماتی برای انتقال به سوسیالیسم است که در وهله نخست دمکراتیزه کردن تمام عرصه های زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی به نفع طبقه کارگر و توده های زحمتکش و حل فوری ترین تضادها و نیازهای مبرم تحول اجتماعی ست. این اقدامات در عرصه اقتصادی عبارتند از: مصادره و ملی کردن تمام سرمایه ها و موسسات سرمایه داران بزرگ داخلی، سرمایه های انحصارات بین المللی و نیز سرمایه ها و موسسات وابسته به دستگاه روحانیت است. توأم با این اقدام، در تمام موسسات و کارخانه ها، کنترل کارگری بر تولید و توزیع برقرار می گردد، و تمام مراحل تولید و توزیع تحت کنترل و نظارت کمیته ها و شوراهای کارخانه ها، و دیگر موسسات قرار خواهد گرفت. این عرصه کنترل، البته تنها به کارخانه ها و موسسات تولیدی محدود نخواهد شد، بلکه موسسات مالی و کشاورزی، تجاری و خدماتی را نیز در بر خواهد گرفت. ملی کردن موسسات و سرمایه های بزرگ و برقراری کنترل نه فقط گام های ضروری برای انتقال به سوسیالیسم محسوب می شوند بلکه اقداماتی هستند که از طریق آنها به فوریت می توان جلو از هم گسیختگی اقتصادی را گرفت و وضعیت رفاهی توده کارگر و زحمتکش را بهبود بخشید. بنابراین به رغم این که این اقدامات هنوز نه به معنای لغو مالکیت خصوصی و نه برقراری مالکیت اجتماعی هستند، با این وجود هم برای انتقال به سوسیالیسم، هم برای انجام اقداماتی برای حل بحران اقتصادی و هم بهبود وضعیت رفاهی توده های زحمتکش ضروری اند. توزیع کالاها از طریق تشکل های توده ای نظیر تعاونی ها، شوراها و غیره نیز جنبه دیگر اقدامات تکمیلی فوق الذکر است. ملی کردن زمین و حذف رانت مطلق اقدام دیگری در جهت بهبود وضعیت رفاهی توده های زحمتکش شهر و روستا از طریق کاهش قابل ملاحظه اجاره هاست که در عین حال در جنب اقدامات دیگری که فوقا به آنها اشاره شد، برای تسریع انتقال به سوسیالیسم ضروریست.

انجام برخی اقدامات دیگر نیز در این مرحله در برنامه اقتصادی طبقه کارگر قرار می گیرد که از آن جمله می توان به حذف مالیات غیر مستقیم و برقراری مالیات تصاعدی بر ثروت، درآمد وارث اشاره کرد. با این اقدامات می توان نخستین گام را برای حل قطعی بحران و بهبود وضعیت مادی و معیشتی کار

کمک مالی رسیده

۵۰ دلار کانادا

مهران - بندر

کانادا - ونکوور

اخبار کارگری جهان

* اعتصاب کارگران در اسرائیل

اوضاع اقتصادی وخیم است. برای بهبود شرایط (بخوان: انتقال باربهران بردوش کارگران و زحمتکشان) باید از صندوق‌های بازنشستگی کارکنان و کارگران دولت مالیات گرفت. این سخنان سردمداران حاکم و نمایندگان سرمایه داران در اسرائیل است. باین سخنان موجی از نارضایتی در میان دهها هزار کارگر و کارمند دولت به راه افتاد. سرانجام این موج خشم و نفرت در روز ۱۲ اکتبر به خیابانها راه پیدا کرد. در این روز بیش از ۱۴۰ هزار کارگر و کارمند دولت دست به یکااعتصاب یک روزه زدند. تعطیلی کامل ادارات و مراکز دولتی و بیمارستان ها از اولین نشانه‌های این حرکت اعتراضی بود، علاوه بر این، حمل و نقل مسافران در چند شهر بزرگ تعطیل شده و زباله ها در سطح شهرها تلنبار شد. کارگران در این روز اعلام کردند که علاوه بر مخالفت با این اقدامات دولت، خواهان افزایش دستمزدهای خود نیز بوده و این مبارزات و حرکات اعتراضی تا حصول به این خواسته ها ادامه خواهد یافت.

* السالوادور:

خصوصی سازی ها را متوقف کنید!

روز ۱۶ اکتبر بیش از ۵۰ هزار کارگر و کارمند طی یک راهپیمایی ۶ ساعته در شلوغ ترین خیابانهای مرکزی شهر سان سالوادور، پایتخت السالوادور، اعتراض خود را به خصوصی سازی خدمات درمان و بهداشت در این کشور به نمایش گذاشتند. این حرکت عظیم اعتراضی به دعوت اتحادیه کارگران خدمات درمانی السالوادور انجام گرفت و این آخرین باری نبود که کارگران برای توقف این اقدامات دولت دست به اعتصاب و راهپیمایی می زدند. در این روز صف طولانی تظاهر کنندگان که قصد راهپیمایی به سمت کاخ ریاست جمهوری را داشت، با سیم‌های خار دار و صدها مأمور مسلح پلیس و ارتشی مواجه شد که تمام خیابان‌های منتهی به این محل را مسدود کرده و دستور اکید داشتند که در صورت مقاومت تظاهر کنندگان، آنها را هدف گلوله قرار دهند. به رغم این نمایش مسخره قدرت، اعتصابیون به راه خود ادامه داده و این بار در مقابل بیمارستان مرکزی شهر تجمع نمودند. جنبش ضد خصوصی سازی در این کشور هر روز قدرت بیشتری گرفته و در حرکات اعتراضی مختلف عزم راسخ خود را برای متوقف ساختن سیاست های ضد کارگری دولت به نمایش گزارده است. در همین روز هزاران نفر از کارگران و کارکنان بیمارستان های دولتی السالوادور در هم بستگی باین حرکت، دست به یک اعتصاب ۴۸ ساعته زدند.

* آمریکا:

اعتصاب کارگران صنایع هوایی

مذاکرات مربوط به عدم انتقال بخشی از تولید به کشورهای دیگر، پس از یک ماه کارشکنی و مخالفت کارفرما، به بن بست رسیده و در روز ۳۱ اکتبر، تمامی ۴۲۰۰ کارگر کارخانه موتور هواپیما سازی GE در شهر Lynn در ایالت پنسیلوانیا، دست به یک اعتصاب ۴ روزه زدند. این اعتصاب تنها هشدار

است به کارفرما و در صورت ادامه اقدامات مربوط به انتقال بخشی از تولید به دیگر کشورهای جهان، کارگران دست به اقدامات اعتراضی دیگری خواهند زد. هرچند نمایندگان کارفرما عوامفریبانه تلاش دارند به کارگران اطمینان دهند که این اقدامات هیچ تهدیدی برای اشتغال آنان نیست، اما همه کارگران خوب می‌دانند که اولین پیام انتقال تولید به کشورهای با نیروی کار ارزان، اخراج کارگران در این کارخانه خواهد بود. شاهد این ادعای کارگران، ۱۷۰ کارگر اخراجی است که در ماههای اخیر وبه دنبال واگذاری بخشی از تولید این کارخانه به کارخانه‌های کوچکتر، کار خود را از دست داده‌اند.

* اعتصاب ۲ میلیون نفر در ایتالیا

روز ۱۸ نوامبر، برای دومین بار میلیون‌ها کارگر در سراسر ایتالیا کارها را تعطیل کرده و در شهرهای بزرگ ایتالیا دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند. در این روز صدها هزار محصل و دانشجو نیز کلاس‌های درس را تعطیل کرده و به صفوف اعتصابیون پیوستند. اعتراض اصلی در این روز متوجه تلاش‌های دولت دست راستی سیلویو برلو- سکونی برای لغو ماده ۱۸ قانون کار این کشور بود. این ماده که حاصل مبارزات کارگران ایتالیا در دهه ۷۰ قرن گذشته است، اخراج خودسرانه کارگران توسط کارفرما را ممنوع کرده و به این ترتیب مانع بزرگی بر سر راه سود اندوزی سرمایه داران ایجاد نمود. علاوه بر این اکنون بیش از ۲۸۰ هزار کارگر در سراسر ایتالیا در آستانه اخراج قرار داشته و فشار مراکز مالی امپریالیستی تعداد هرچه بیشتری را به صفوف بیگاران پرتاب خواهد نمود.

گذشته از این سیاست‌های راست‌روانه دولت و حمایت همه جانبه آن از اقدامات جنگ طلبانه دولت آمریکا نیز مورد اعتراض قرار گرفت. تنها در شهر تورینو، مرکز کارخانجات فیات ۲۰۰ هزار نفر در خیابانها راه پیمایی کردند، در شهر میلان ۱۰۰ هزار نفر و در شهر رم ۴۰ هزار نفر به خیابان ها آمده و خشم و نارضایتی خود را از این اوضاع به نمایش گذاشتند. شهر پالرمو در جنوب ایتالیا، شاهد بزرگترین حرکت اعتراضی از سال ۱۹۴۵ بود که بیش از ۵۰ هزار نفر در خیابانها دست به راه پیمایی و تظاهرات زدند. بی‌شک این حرکت عظیم آخرین اعتراض کارگری در این کشور نبوده و به موازات تشدید و خامت بحران اقتصادی و رشد روزافزون نارضایتی توده‌های کارگر و زحمتکش از سیاست‌های راست‌روانه دولت ایتالیا، باید منتظر حرکت های دیگری از این دست بود.

* تظاهرات ضد جنگ در سراسر جهان

همزمان با تشدید فشار دولت آمریکا در راستای آماده سازی شرایط برای لشکرکشی به عراق، جنبش ضد جنگ وسیع و قدرتمندی در سراسر جهان در حال شکل گیری است. در آمریکا این جنبش از زمان جنگ ویتنام تاکنون بی‌سابقه بوده و هر روز که می گذرد از حمایت بخش بیشتری از مردم آمریکا برخوردار می شود و در اروپا نیز جنبش ضد جنگ مورد حمایت تمامی سازمانهای دمکراتیک و اتحادیه‌های کارگری قرار دارد.

در همین راستا روز ۶ اکتبر بیش از ۱۰۰ هزار نفر در چندین شهر آمریکا به دعوت جنبش "به نام ما نه پاسخ مثبت داده و در اعتراض به سیاست‌های جنگ طلبانه دولت جرج بوش

دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند. در این روز خیابان های محلات سیاه پوست نشین نیویورک شاهد راهپیمایی بیش از ۲۵ هزار نفر بود و در همین روز ۱۰ هزار نفر در خیابان های شهر سانفرانسیسکو دست به برپایی تجمعات اعتراضی زدند. علاوه بر این شهرهای لوس آنجلس، سیاتل، شیکاگو و پورتلند نیز در این روز شاهد راهپیمایی دهها هزار نفر و تظاهرات ضد جنگ در خیابانها بود.

مجدداً روز ۲۶ اکتبر، تمامی سازمان های مختلف ضد جنگ در آمریکا از مردم کشور و دیگر کشورهای اروپایی خواستند که به خیابان ها آمده و مخالفت خود را با سیاست های جنگ طلبانه دولت آمریکا به نمایش بگذارند. در همین رابطه شهروان شنگتن شاهد راهپیمایی تظاهرات ۲۰۰ هزار نفر بود که در صفی بیش از ۲ کیلومتر کاخ سفید را به محاصره درآورده و خواستار پایان دادن به تهدیدات نظامی و اقدامات جنگ طلبانه علیه مردم عراق شدند. در همین روز بخش غرب آمریکا نیز شاهد راهپیمایی و تظاهرات بیش از ۱۰۰ هزار نفر در شهر سانفرانسیسکو بود. در این تظاهرات همچون زمان جنگ ویتنام، محصلین و دانش جویان و دانشگاه ها نیز کلاس ها را تعطیل کرده و فعالان به صفوف راهپیمایان پیوستند. اما این تنها کارنه‌های شرقی و غربی آمریکا نبود که در این روز شاهد تظاهرات و راه پیمایی مخالفان جنگ با عراق بود. در آلمان نیز مخالفان جنگ در ۸۰ شهر دست به راه پیمایی و تظاهرات زدند. خیابانهای شهر برلین شاهد راهپیمایی بیش از ۲۰ هزار نفر بود. به رغم باران شدید و هوای طوفانی، هزاران نفر نیز در شهرهای فرانکفورت، اشتوتگارت و هامبورگ به خیابان ها آمده و انزجار و مخالفت خود را با سیاست های جنگ طلبانه جرج بوش به نمایش گذاشتند. علاوه بر آلمان چندین شهر اسپانیا نیز شاهد تظاهرات و راهپیمایی مخالفان جنگ با عراق بود. بزرگترین تظاهرات در شهر بارسلون انجام گرفت که در طی آن بیش از ۳۰ هزار نفر با شعارهای ضد جنگ، همکاری دولت این کشور با امپریالیست های آمریکایی را محکوم کردند.

در هلند نیز شهرهای رتردام و آمستردام شاهد برپایی تظاهرات و راهپیمایی مخالفین جنگ بود، در شهر رتردام صدها نفر با وجود باد و باران شدید در خیابانها راهپیمایی کردند و در آمستردام هم بیش از ۱۰ هزار نفر در تظاهرات ضد جنگ شرکت داشتند. در کشورهای اسکاندیناوی هم وضع به همین منوال بود. در شهر کپنهاگ، هزاران نفر با تجمع در مقابل سفارت آمریکا، اعتراض خود را به سیاست های جنگ طلبانه دولت این کشور ابراز نمودند. و در دیگر پایتخت ها، یعنی استکهلم واسلو هم صدها نفر با تجمع در مقابل سفارت های آمریکا، با سیاست های جنگ طلبانه دولت این کشور مخالفت نمودند. در چند شهر دیگر نیز در کشورهای اسکاندیناوی شاهد برپایی تظاهرات و راهپیمایی مشابه بود. در ایتالیا، به رغم این که چند روز قبل میلیون ها کارگر، محصل و دانشجو در خیابانهای شهرهای بزرگ دست به راهپیمایی و تظاهرات زده بودند، اما در روز ۲۶ اکتبر بازم بیش از ۲۰ هزار نفر در شهرهای مختلف به دعوت جنبش ضد جنگ پاسخ مثبت داده و خیابانهای چند شهر ایتالیا را مجدداً به صحنه اعتراضات خود به وضع موجود تبدیل نمودند. و بالاخره این که روز ۲۵ اکتبر، مخالفین جنگ در شهر بروکسل، پایتخت بلژیک در مقابل سفارت آمریکا تجمع نموده و اعتراض خود به سیاست های این کشور را به گوش جهانیان رساندند.

برزیل و کارگر سابق که رئیس جمهور شد

هنوز نتایج رسمی دور دوم انتخابات ریاست جمهوری اعلام نشده بود. لولا (Lula) در دور اول که روز ۶ اکتبر برگزار شد ۴۶٪ آراء را به خود اختصاص داد و می‌بایستی برای دور دوم به مصاف ویژه سرا (Serra) وزیر بهداشت دولت پیشین می‌رفت که ۲۳٪ آراء را به دست آورده بود. لولا در دور دوم با ۶۱٪ یا ۵۱ میلیون رأی از ۱۱۵ میلیون صاحب رأی برزیلی سی و نهمین رئیس جمهوری برزیل با ۱۷۰ میلیون جمعیت شد. اما لولا کیست؟ حزبی که نام کارگر دارد، چگونه حزبی است؟ برزیل در چه وضعیتی است؟ چرا مردم این چنین به لولا امیدوارند و آیا وی خواهد توانست و خواهد خواست آرزوها و مطالبات آنان را برآورده کند؟ یا لااقل می‌تواند و می‌خواهد بر قول‌ها و وعده‌های انتخاباتی خود رخت عمل بپوشاند؟

برزیل با بیش از ۸ میلیون کیلومتر مربع، پنج برابر مساحت ایران، کشور پهناوری است که در آمریکای لاتین یا جنوبی قرار دارد و با تمام کشورهای این منطقه جهان، به جز شیلی، همسایه است. برزیل چه از نظر وسعت و چه جمعیت، نیمی از آمریکای جنوبی را در برمی‌گیرد. برزیل مانند تمام کشورهای قاره آمریکا، یک دوران طولانی مستعمراتی را پشت سرگذاشته و تنها کشور این قاره است که زبان رسمیش پرتغالی است، زیرا این ماجراجویان و استعمارگران پرتغالی بودند که در سال ۱۵۰۰ میلادی برزیل را "کشف" کردند و نام آن را از درختی به نام براکسیل که مایعی سرخ‌فام دارد، انتخاب نمودند. استعمارگران پرتغالی با غارت منابع طبیعی، به ویژه معادن طلا و کشتار سرخ پوستان چند سده برزیل را زیر استیلای خود داشتند. در سال ۱۸۸۸ برزیل نخست از برده داری رها شد، یک سال بعد، در ۱۵ نوامبر، جمهوری برزیل اعلام شد و در ۱۸۹۱ انقلابی لازم آمد تا قانون اساسی جمهوری برزیل تدوین گردد. برزیل در دوران اخیر شاهد ۲۱ سال دیکتاتوری نظامی از سال ۱۹۶۴ بود. این دیکتاتوری نظامی با سرکوب خونین مخالفان، شکنجه محاکمات چند دقیقه‌ای و کشتار فعالان سیاسی توسط "جوخه های مرگ" حکومت همراه بود. نظامیان حاکم حتی در سال ۱۹۶۹ یک قانون اساسی را تدوین کردند که در آن آشکارا "حقوق سیاسی شهروندان" لغو شد. مبارزات توده‌ای و اعتصابات میلیونی کارگری، ژنرال فیکه ردو، آخرین حاکم نظامی برزیل را که از سال ۱۹۷۹ در راس قدرت بود در سال ۱۹۸۵ به زیر کشید.

حزب کارگر برزیل که اکنون با هشتصد هزار عضو بزرگ ترین حزب "چپ" تمام آمریکای لاتین است بین سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ و در پی کنگره ی فلزکاران، مکانیسمین ها و برق -کش های ایالت ساوپولو تاسیس شد. پنج سال بعد، فعالان حزب کارگر اقدام به پی‌ریزی سندیکایی سی. یو. تی. (مرکز واحد زحمتکشان) نمودند که هم اکنون با میلیونها عضو بزرگ -ترین اتحادیه برزیل است. حزب کارگر برزیل در واقع از بطن یک رشته مبارزات عمومی توده‌ای بر ضد دیکتاتوری نظامی زاده شد و هرگز دارای مطالبات سوسیالیستی، به معنای مارکسیستی آن، نبود. این حزب مجموعه ای از فعالان اتحادیه‌ای و نیروهای چپ را گرد

آورد که بخشی از آنان قصد داشتند آن را به یک حزب انقلابی و با استقلال طبقاتی تبدیل کنند که هرگز موفق نشدند. دبیر اول کنونی حزب که ژوزه دیرسو (Dirceu) نام دارد در ۲۰ فوریه ۲۰۰۲ اعلام کرد که حزب کارگر "از این پس یک حزب چپ مرکز" ونه چپ است. این اظهارات در حالی بیان می‌شد که لولا، شکست خورده در سه دوره انتخابات ریاست جمهوری سال‌های ۱۹۸۹، ۱۹۹۴، ۱۹۹۸، خود را برای پیروزی در انتخابات ۲۰۰۲ آماده می‌کرد. لولا برای پیروزی درحال مذاکره با احزاب آشکار و پنهانی برزیل بود و در فوریه سال جاری اعلام کرد که در صورت انتخاب شدن، سناتور ژوزه النکار (Alencar) را به عنوان معاون خود برمی‌گزیند. النکار عضو حزب لیبرال و یکی از بزرگترین کارفرمایان صنایع نساجی برزیل است.

لولا که در روز اول انتخابات اخیر پنجاه و هفتمین سال تولد خود را جشن گرفت، هشتمین و آخرین فرزند یک خانواده فقیر شمال شرقی برزیل است. وی برای کمک به خانواده با دستفروشی میوه شروع به کار کرد و تنها سه سال به دبستان رفت. او دروازه سالگی پادوی یک خشک شویی شد و در آنجا ده تا دوازده ساعت در روز کار می‌کرد. پس از یک دوره کارآموزی، لولا ۱۴ ساله کارگر فلزکار می‌شود و پیش از آن که در ۲۱ سالگی وارد سندیکای فلزکاران بشود، انگشت کوچک دست چپ خود را در زیر یک ماشین از دست می‌دهد. لولا از رهبران اعتصابات بزرگ کارگری است که در پایان دهه ۱۹۷۰ بپا می‌شوند و گاهی در تجمعات خود صد هزار کارگر فلزکار را گرد می‌آورند. وی به همین دلیل ۳۱ روز را در زندان‌های حکومت نظامی وقت به سربرد. لولا که خود از بنیان‌گذاران حزب کارگر و دبیر اول افتخاری کنونی آن است در سال ۱۹۸۴ فعالانه در کارزار "انتخابات بارای مستقیم" شرکت می‌کند. مبارزاتی که در ۱۹۸۹ به بر می‌نشیند و خود لولا برای نخستین بار نامزد ریاست جمهوری می‌شود. لولا در سال ۲۰۰۲، یک سال پس از تظاهرات بزرگ سیاتل بر ضد "جهانی سازی" در شهر پورتو آلگه (Porto Alegre) که پایتخت ایالت ریوگرانده جنوبی -ست، در "فروم اجتماعی جهانی" شرکت می‌کند، فرومی‌کند که در مقابل "فروم اقتصادی داوس" تشکیل شده است. این در واقع خلاصه ای از مبارزات لولا، کارگر فلزکاری ست که اکنون رئیس جمهور شده است. اما اظهارات و برنامه -هایی که لولا برای پیروزی در انتخابات اخیر کرده و ارائه داده نشان می‌دهند که لولا به سرعت حیرت‌آوری از طبقه‌ای که برخاسته فاصله گرفته و جدا شده است. فشارهای ارگان -های بزرگ سرمایه‌داری و فقدان یک برنامه مشخص طبقاتی در حزب کارگر و عدم استقلال طبقاتی آن در فاصله گیری و جدا شدن لولا و حزب از پایگاه اجتماعی بی تاثیر نبوده‌اند، پایگاه اجتماعی‌ای که شامل ۴۰۰ هزار خانواده "دهقان بی زمین" وابسته به جنبش دهقانان بی‌زمین -MST-، اقشار خرده بورژوازی تحتانی و میانی تا کارگران می‌شود.

در اوایل ماه مه گذشته، در حالی که هر روز انتخاب شدن لولا محتمل‌تر می‌شد، ۵ بانک و موسسه مالی بزرگ، مورگان استانی و مریل لینچ و گلدمن ساکس آمریکایی، ای. بی. ان.

- امریو بانک هلندی و سانتاندر سانتال هیسپانوی اسپانیایی به سرمایه‌داران توصیه کردند تا از سطح سرمایه گذاری در برزیل بکاهند و اوراق قرضه برزیل را رها کنند. لولا در این زمان وارد میدان شد و برای این که نشان دهد از نظرات "شبه کمونیستی" خود در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی بسیار دور شده، اعلام کرد که به مالیت خصوصی احترام می‌گذارد و هرگز خواهان ملی کردن شرکت‌های بزرگ نخواهد شد. این اظهارات درحالی بیان می‌شد که یکی از رهبران جناح اقلیت حزب کارگر برزیل، که "دمکراسی و سوسیالیسم" نام دارد و در انتخابات درون حزبی در سپتامبر ۲۰۰۱ ۱۴٪ آراء رای خود اختصاص داد و یک گرایش ترولسکیستی ست، ضمن انتقاد به لولا در مصاحبه -ای با نشریه "سوسیالیسم بین‌المللی"، مورخ ۸ اوت گذشته، گفت: "ما تاکنون توانسته ایم روی مسایل اساسی توافق داشته باشیم." این شخص که کارلوس اشمیت نام دارد و مانند لولا جزو بنیان‌گذاران حزب کارگر است، اضافه نمود: "اکثریت حزب کارگر به نظم سرمایه‌داری گرایش پیدا کرده و این از پراگماتیسمش بر می‌خیزد."

امتیازهایی که لولا به سرمایه دارن می‌داد باز هم کافی نمی‌نمود و حتایک سوداگر بزرگ جهانی که جرج سوروس (Soros) نام دارد ۴ ماه پیش از دور اول انتخابات گفت: "درامپراتوری روم قدیم فقط رومی‌ها حق رأی داشتند و در سرمایه داری جهانی کنونی فقط آمریکایی‌ها رأی می‌دهند و نه برزیلی‌ها" وی سپس تهدید کرد که اگر لولا انتخاب شود "برزیل به سوی آشوب" می‌رود. لولا و حزیش هراسان از تصمیمات و اظهارات ارگان‌ها و شخصیت‌های سرمایه‌داران قول‌های جدیدی به آنها دادند. لولا گفت که در صورت انتخاب شدن، برزیل به تمام تعهداتش به ارگان‌های بزرگ سرمایه داری از جمله "صندوق بین‌المللی پول" پای بند می‌ماند و دیگر خواهان لغو بدهی‌های سرسام‌آور برزیل که بالغ بر ۲۶۰ میلیارد دلار می‌شود نخواهد شد. در این باب بود که صندوق بین‌المللی پول قول یک قرض سی میلیارد دلاری دیگر را به برزیل داد اما فقط ۲۰٪ آن را واریز کرد و گفت که برای بقیه آن تا اول ژانویه ۲۰۰۳، روزی که رئیس جمهور جدید به کاخ ریاست جمهوری پلانالتو (Planalto) پای می‌گذارد، صبر خواهد کرد! تا از برنامه‌های او اطمینان کامل حاصل کند! صندوق بین‌المللی پول که در ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۱ هم یک وام ۱۵ میلیارد دلاری به برزیل داده بود، در ۱۱ اوت از زبان جان تیلور، معاون وزیر خزانه داری ایالات متحده که با ۱۴٪ بزرگترین سهام‌دار آن است، اعلام کرد که وام ۳۰ میلیارد دلاری به برزیل داده نخواهد شد مگر آن که این کشور پس از اول ژانویه ۲۰۰۳ هم دستورات صندوق بین‌المللی پول را به دقت به اجرا در آورد.

لولا در بین دو دور انتخابات از یکی از مهم‌ترین بخش‌های هوادار حزیش که همان "جنبش دهقانان بی‌زمین" باشد خواست که دیگر "ملاک خصوصی" را تصرف نکنند و به وی فرصت دهند که برای اصلاحات ارضی اقدام کند. وی هم چنین پیش از دور اول انتخابات در تجمع ۴۰۰ نظامی ارتش برزیل شرکت کرد و به آنان، از جمله پنج وزیر سابق کابینه نظامی که او را به زندان فرستاده بودند، گفت که برزیل به پیمان عدم ساخت سلاح -های اتمی نخواهد پیوست. در این جا نظامیان به پا خواستند و برای او کف زدند!

قانون بودجه ،

تداوم خصوصی سازی ها و تشدید استثمار کارگران

۱۸۲ شرکت این سازمان ۴۷ شرکت به کلی منحل شده ، ۳۵ شرکت توسط سازمان های بازنشستگی و تامین اجتماعی خریداری شده و ۱۰۰ شرکت بقیه که "اصلاح ساختار نیروی انسانی" - بخوان اخراج کارگران و تامین شرط و شروط و رضایت خریداران- در آنها انجام شده ، به بخش خصوصی واگذار شده و با در حال واگذاری است. این شرکت ها شامل ۴۴ شرکت نساجی و پوشاک ، ۳۷ شرکت دارویی و غذایی ، ۲۷ شرکت سلولزی و شیمیایی ، ۳۰ شرکت ساختمانی ، ۱۳ شرکت برق و لوازم خانگی و ۳۱ شرکت بازرگانی بوده است. نام برده در عین حال متذکر شد که سازمان صنایع حداثا ساختمان ستادی خود را هم فروخته است و پس از ۲۳ سال ، از دهم مهر ماه فعالیت آن رسماً متوقف شده و به احتمال خیلی زیاد ، این سازمان به کلی منحل خواهد شد.

مصوبه اخیر هیئت وزیران در مورد فروش واحد های دولتی جهت تامین ده هزار میلیارد ریال کسری بودجه دولت ، ابعاد مسئله را از این هم فراتر می برد . طبق این مصوبه ، سازمان خصوصی سازی و چند وزارت خانه ، از طریق واگذاری زیر مجموعه های خود بایستی این مبلغ را تامین کنند. هزار میلیارد ریال از محل واگذاری شرکت های زیر مجموعه وزارت راه و ترابری شامل شرکت های توسعه راه های ایران ، هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران و راه آهن جمهوری اسلامی ایران ، ۳ هزار میلیارد ریال وزارت نیرو از طریق واگذاری شرکت های زیر مجموعه "ساتکاب" (ساخت و تهیه کالاهای آب و برق) ، ۳ هزار و پانصد میلیارد ریال وزارت صنایع از طریق واگذاری شرکت های زیر مجموعه سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران و سازمان توسعه و توسازی معادن و صنایع معدنی ایران و ۴ هزار میلیارد ریال از طریق واگذاری زیر مجموعه وزارت نفت. علاوه بر این ها ، وزارت خانه های جهاد کشاورزی و بازرگانی هر کدام مبلغ صد میلیارد ریال از محل واگذاری سهام شرکت های زیر مجموعه خود به بخش خصوصی تامین خواهند کرد.

به دنبال تعیین ضرب الاجل از سوی دولت ، این بخش ها نیز زمینه واگذاری فوری موسسات و کارخانجات دیگری را فراهم ساخته و لیست شرکت هایی را که باید به بخش خصوصی فروخته شود اعلام کرده اند . سازمان خصوصی سازی آمادگی خود را برای واگذاری ۶۶ شرکت دولتی اعلام نموده که ۲۹ شرکت از طریق بورس و ۳۷ شرکت از طریق مزایده تا آخر اسفند سال جاری باید واگذار شوند ، که این شرکت های آخر عبارتند از : اطلس بافت ، الباف خراسان ، الباف شیروان ، پارس الوان ، پشمافی افشار ، پشمافی جهان ، پشمافی کشمیر ، تاسیسات ساختمانی ، تصویر ایران ، جامکو ، جین مد ، حریر ، خودرو ، لنت ایران ، رادیاتور تومبیل ، سیمان لوشان ، سیمان اصفهان ، صنایع کاغذی نوظهور ، فرش گیلان ، قندارومیه ، کارخانجات پیله ، کشت و صنعت شهریار ، کوه فرد ، مشعل سازی ایران ، نخکار ، الکتریک ایران - رشت ، بیستون ایران ، داروسازی الحاوی ، روغن نباتی شیراز ، روکش چوبی ایران ، قرقره زیبا ، صنعتی جهان ، قند کرج ، قند ذوقول ، قند سازند ، قند یاسوج و کارخانجات مقدم .

وزارت نیرو نیز اعلام نموده که از ۱۱۰ شرکت زیر مجموعه این وزارت به زودی واگذاری صد

تای آن شامل ۳۵ شرکت مشاور ، ۲۰ شرکت پیمانکاری ، ۲۰ شرکت و یا کارخانه تولیدی و ۲۵ شرکت خدماتی آغاز و در چارچوب برنامه سوم توسعه ، به تدریج به بخش خصوصی واگذار می شود. حبیب الله بیطرف وزیر نیرو ، متذکر شد که در شرکت های زیر مجموعه این وزارت خانه که در قالب سه شرکت مادر تخصصی تمرکز یافته اند ، شامل ۱- توانیر ، که در زمینه فعالیت های تولید ، انتقال و توزیع برق یا مدیریت بر مراکز انتقال شبکه سراسری برق ۲- مدیریت منابع آب ایران ، که در امر تامین آب ، بهره برداری از تاسیسات سدهای مخزنی بزرگ و توسعه و بهره برداری از طرح های برق آبی ۳- آب و فاضلاب ، که در زمینه آب و فاضلاب شهری و روستایی فعالیت دارند ، مراحل آماده سازی برای واگذاری به بخش خصوصی طی شده است. این مراحل در سایر بخش ها و وزارت خانه ها ، از جمله وزارت نفت ، صنایع ، راه و ترابری ، کشاورزی و غیره نیز طی شده و ده ها شرکت و موسسه کوچک و بزرگ دولتی دیگر نیز برای واگذاری به سرمایه داران بخش خصوصی آماده شده است.

نیازی به اثبات این موضوع نیست که اجرای این سیاست ها بدون هیچ شک و تردیدی تأثیرات و نتایج مطلقاً فاجعه باری به ویژه برای کارگران و اقشار زحمتکش مردم در پی خواهد داشت. تجربه همین چند سال اخیر ، مستدل تر از هر توضیحی بر این ادعا صحت می گذارد. سرمایه داران و مفت خورانی که واحدهای دولتی را خریده اند و یا به آنان واگذار و اهدا شده است ، اگر موسسه مربوطه را به فوریت و به طور کامل تعطیل و کارگران رایجاً اخراج نکنند ، اولین اقدامشان ، تشدید فشار و زورگویی به کارگران ، تحمیل قرار دادهای موقت ، زدن از حق و حقوق کارگران ، و بیکار سازی کارگران بوده است.

این مسئله ، البته مسئله پوشیده ای نیست و نمونه های زنده در این مورد هم کم نیست. کفش شادان پور ، یکی از نمونه های این کار - خانه های خصوصی شده است. شادان پور که در سال ۷۸ به بخش خصوصی واگذار شده ، امروز چه وضعی دارد ؟ کارگران این کارخانه در چه وضعیتی به سر می برند ؟ بگذاریم کارگران این کارخانه خود سخن بگویند : "از سال ۵۹ به بعد مدتی صنایع ملی عهده دار اداره کارخانه بود ، بعد سازمان تبلیغات اسلامی و دست آخر هم بنیاد مستضعفان. سال ۷۸ شادان پور به بخش خصوصی واگذار شد و این اولین بدبختی ما بود. همان اول کار مدیریت ۵ ماه کارخانه را تعطیل اعلام کرد و بعد به بهانه توسازی کارخانه ، در دو نوبت از دولت وام تسهیلاتی گرفت که هیچ اتفاقی نیفتاد که آخر سر ما خودمان اقدام کردیم و از صندوق حمایت از کارگران ۱۵۰ میلیون تومان وام گرفتیم. خط تولید را راه انداخته بودیم که دیدیم یک اتفاقی دارد می افتد . . . یعنی نمی گذاشتند که کار کنیم. شرکت تعطیل شد . . . سرانجام گفتند دو ماه کارخانه را ترک کنید تا ما بفروشیم و حقتان را بدهیم. بعد شما بیایید تسویه حساب کنید . بعد از دو ماه برگشتیم اما خبری نبود. ما به اداره کارشکایت کردیم ، پس از آن کارخانه توقیف شد و بعد قرار شد

کارخانه به فروش برسد که کسی نخرید بعد دادگستری گفت که زمین کارخانه را می فروشیم. الان ۵ ماه است که پرونده در دادگستری شهری و سازمان ثبت اسناد و املاک در حال پیگیری است که هنوز به نتیجه نرسیده است." یکی دیگر از کارگران این کارخانه می گوید : " یک ماه است به خانه نرفته ام . مدرسه ها شروع شده . . . بچه است دیگر نمی فهمد که بیکاری یعنی چه ؟ می گوید کفش هایم پاره شده و خجالت می کشم از بچه ها . . . گفتم لااقل نینمشان بهتر است. ماهی ۶۰ هزار تومان پول بیمه بیکاری بعد از ۲۵ سال کار یعنی چی . . . اینجا می نشینیم و همدیگر را می بینیم کمی آرام می شویم اما همه ما پر از بدبختی هستیم وضع هیچکدامان از آن یکی بهتر نیست. " کارگر دیگری می گوید : " ۴۳ سالگی وقت سخته کردن است ! بعد از انحلال کارخانه تا حالا سه نفر سخته کرده اند ، علی بهرامی ، مصطفی سمیعی ، حیات علی حریرنی . کارگر دیگری می گوید : " چقدر می شود تحمل کرد ؟ زنم طلاق گرفته و رفته ، این هم زندگی است که ما می کنیم الان نمی دانم بچه ها کجا هستند. وقتی دیدم راست میگو و بدون خرجی و فرض وقوله نمی شود زندگی کرد امضا کردم راحت بشود. چکار از دستم برمی آمد نمی توانستم بگویم گدایی کن. خودم هم شبانه توی خانه اجاره ای مادرم می خوابم از او هم خجالت می کشم. " و بعد اضافه می کند " یکاش بجای آزاد علیزاده می بودم. (آزاد علیزاده کارگر جیت سازی تهران بود که چند ماه پیش در اثر تشدید فشارهای اقتصادی ، در یکی از انبارهای کارخانه خود را حلق آویز کرد) " این کارگر پس از توضیح وضعیت آزاد علیزاده ، اضافه می کند " زمانی می رسد که هیچ راهی برایت باز نیست مجبوری کاری کنی از این وضعیت درد اور خارج بشوی . . . فقط شاید این فکر را نکنی که از شرم باید بمیری و دنیا را راحت کنی از وجود. فرقی ندارد یا با آزاد بالای دار می روی یا مثل علی مهرابی سخته می کنی. کفش شادان پور ۴۵۰ کارگر بیکار دارد ، ۴۵۰ علی مهرابی یا . . . " (کار و کارگر - ۲ آبان ۸۱).

این ها همه هنوز یک جنبه از نتایج و تأثیرات فاجعه بار خصوصی سازی ها است. بدیهی است که عوارض و عواقب این سیاست ها ، صرفاً به این مسئله خلاصه نمی شود. به عنوان مثال یک جنبه دیگر از سیاست خصوصی سازی این است که با واگذاری موسسات و شرکت های دولتی ، قیمت تمامی کالاها و خدماتی که توسط این شرکت ها ارائه می شود ، از قبیل آب و برق ، خدمات شهری ، حمل و نقل ، سوخت و امثال آن ، به طور جهشی افزایش می یابد و افزایش قیمت در این بخش ها به سرعت به سایر کالاها و خدمات نیز تعمیم خواهد یافت. نرخ تورم با زهم افزایش خواهد یافت و از این زاویه نیز فشارهای اقتصادی و معیشتی افزون تری بردوش کارگران و سایر اقشار زحمتکش وارد خواهد شد و به یک معنائی عظیمی از مردمان زحمتکش را با فقر و گرسنگی و حشتناک تری روبرو خواهد ساخت.

رژیم جمهوری اسلامی از همه سو ، کارگران را تحت فشار گذاشته است. سیاست های ضد کارگری این رژیم بیش از پیش تشدید شده است. هر چقدر بیشتر از عمر "دولت اصلاحات" گذشته است ، تعارفات توخالی و ظاهر سازی در برخورد به کارگران نیز سایش بیشتری یافته و اعمال خشن ترین و بیرحمانه ترین

برزیل و کارگر سابقی که رئیس جمهور شد

در برگرد، زیرا لولا گفته است که دولتش به این بازار علاقه زیادی ندارد ولی کماکان در بازار دیگری به نام مرکوسور (Mercosur) با شرکت برزیل، آرژانتین، پاراگوئه و اروگوئه باقی می ماند و خواهان پیوستن شیلی و بولیوی، که هم اکنون با آن همکاری هایی دارند، خواهد شد. در میان پیام های دریافتی لولا باید به پیام سخنگوی کاخ سفید آمریکا اری فلیشر (Fleischer) اشاره کرد که به آسوشیتدپرس گفت: "جرج بوش به برنده ی انتخابات برزیل تبریک می گوید و برای همکاری موثر با این کشور بی تاب است." وزیر امور خارجه آمریکا هم اظهار داشت که این کشور روابط محکمی با دولت جدید برزیل خواهد داشت و در اولین فرصت خواهد کوشید که جوی بارآور را با همکاری لولا بین دو کشور بسازد.

باری، هر چند لولا از طبقه ی کارگر برخاسته است، هر چند او نسبت به دیگر نامزدهای بورژوازی برزیل این مزیت را دارد که دستش به سرکوب آلوده نشده است، اما جدا شدن وی از طبقه اش و از مطالبات طبقاتی کارگران و زحمتکشان برزیل و آن چه لولا در کارزار انتخاباتی گفت و ارائه کرد نشان از آن دارند که وی نخواهد توانست نه فقط مطالبات و آرزوهای توده های کار و زحمت برزیل را برآورده کند، بلکه حتی نخواهد توانست به قول کوچکش - سه وعده غذا در روز برای گرسنگان جامعه ی عمل ببوشاند. سرمایه داری بسیار پوشیده تر و هارتر از آن شده است که بتوان با خرده اصلاحاتی به نفع میلیون ها کارگر و زحمتکش در برزیل و در سطح جهان اقداماتی کرد. آزمون انتخاب کارگر "سابقی" که در برزیل رئیس جمهور شد همراه با آشک این بار از سرخوردگی صدها هزار نفری که برای لولا به خیابان ها ریختند، خواهد گذشت، آن چه اما ادامه خواهد داشت مبارزه طبقاتی در برزیل و در تمام جهان برای برچیدن نظم بیش از پیش "جهانی شده" ی سرمایه داری، نظمی پوسیده و در گوه ر ناعادلانه است. آینده ی بشریت چیزی به جز سوسیالیسم و گذار به کمونیسم نیست.

از صفحه ۷ قانون بودجه، تداوم

خصوصی سازی ها و تشدید استثمار کارگران

برخورد هانسیت به کارگران و خانواده های کارگری عربان تر شده است. جمهوری اسلامی یکی از ارتجاعی ترین و کثیف ترین رژیم های سرمایه داری است. دولت نیز که عمیقاً با مذهب در آمیخته است، نماینده سرمایه داران و مرتجعین و پاسدار منافع همین هاست. امروز همه کارگران این را با گوشت و پوست خود لمس کرده اند که "دولت اصلاحات" نیز مانند دولتهای پیشین ماهیتاً ضد کارگر است. این دولت، جز تحت فشار گذاشتن کارگران، جز تشدید روز افزون فشار های اقتصادی و اجتماعی بر کارگران، جز پامال کردن حقوق کارگران، جز بیکار سازی و آواره ساختن کارگران و بالاخره جز فراهم سازی شرایط مورد پسند سرمایه داران برای تشدید استثمار کارگران، نقش و رسالت دیگری نداشته است و ندارد.

کارگران ایران برای پایان دادن به این همه خشونت و وحشی گری، برای پایان بخشیدن به این همه بیدادگری و بدبختی و برای تحقق آرمان های عدالت جویانه و انسانی خود، راه دیگری ندارند جز آنکه این نظام ضد بشری را از ریشه براندازند و بر ویرانه های آن نظام عادلانه و انسانی خود را بنا کنند.

از هم اکنون آثاری از ناکامی لولا در برآوردن خواسته ها و مطالبات صدها هزار نفری که برای انتخاب وی به خیابان ها ریختند دیده می شود. در انتخابات اخیر، مردم برزیل برای انتخابات فرمانداری ۲۷ ایالت برزیل و ۵۱۳ نماینده پارلمان هم فراخوانده شده بودند. اما حزب کارگر فقط ۳ فرمانداری را به دست آورد و به ویژه فرمانداری ایالت ریوگرانده جنوبی با پایتخت پورتو آلگره راز دست داد، جایی که حزب کارگر در تشکیل فوروم اجتماعی جهانی در مقابل فوروم اقتصادی دافوس نقشی فعال داشت. این شکست بسیار نمادین بود و نشان می دهد که همان گونه که حزب کارگر از پایگاه اجتماعی دور می شود، این آخری هم آن را رها می کند. از سوی دیگر فقط ۹۱ نماینده از حزب کارگر به پارلمان راه یافتند که اکثریتی بسیار ضعیف است. در این جا باید حق را به موريس کوستین (Costin)، رئیس روابط عمومی فدراسیون کارفرمایان صنعتی سانوپولو داد که گفته بود: "اگر لولا برنده شود، نمی تواند تصمیمات واقعاً رادیکال اتخاذ کند، زیرا با مخالفت برخی از فرمانداران مواجه خواهد شد.

با توجه به پیام هایی که لولا برای انتخابش دریافت کرد می توان اذعان داشت که سرمایه داری داخلی و بین المللی موفق شد یک حزب توده ای اما غیر طبقاتی را در طبقه خود هضم کند. هورست کوهر (Koehler)، رئیس صندوق بین المللی پول در پیامش گفت: "نتیجه ی انتخابات برزیل تأیید جدیدی بر دموکراسی در اهتزاز برزیل است و به لولا فرصت تاریخی پاسخگویی به مطالبات اقتصادی و اجتماعی برزیلیان را اعطاء می کند." البته آقای کوهر نمی گوید که چگونه رئیس جمهور قبلی برزیل که دو دوران سمت را در اختیار داشت و کلمه به کلمه تصمیمات صندوق بین المللی پول را اجرا کرد، نتوانست به این مطالبات پاسخ بگوید؟! چرا فقط از آغاز سال جاری واحد پول برزیل ۴۰٪ از ارزش خود را از دست داد و چرا این کشور دارای یک نرخ رشد تنها یک و نیم درصدی است؟ آیا این ها نتیجه خصوصی سازی های گسترده در هشت سال پیش نبود که فرناندو و هنریکه کاردوسو (Cardoso) انجام داد؟ آیا صندوق بین المللی پول نقشی در افزایش نرخ بهره که در برزیل ۲۱٪ است و جزو بالاترین ها در جهان است، نداشته است؟ آیا این صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و دیگر ارگان های سرمایه داری نبودند که برزیل را به قول خبرگزاری رویتر تبدیل به "غولی با پای های گلی" کردند؟ ای کاش آقای کوهر لا اقل کمی شرم داشت! وزیر خزانه داری آمریکا، پل اونیل (O'Neil) هم به رویتر گفت که انتخاب لولا به نگرانی ها در برزیل پایان داد. وی که در اتاق بازرگانی کریب ویل واقع در کارولینای جنوبی ایالات متحده سخن می گفت، افزود: "منتظرم که دولت جدید سیاست های اقتصادی دولت پیشین را ادامه دهد." در روز ۶ اکتبر، تاریخ دور اول انتخابات در برزیل، آقای بیل گیتز، کارفرمای مایکروسافت و ثروتمندترین مرد جهان، از لولا دعوت کرد تا با وی از سرمایه گذاری در برزیل سخن بگوید! گمان می رود که آقای بیل گیتز در این زمینه هم می خواهد نظر لولا را به سوی بازاری به نام "منطقه ی تبادل آزاد" - ZLEA - جلب کند که با هژمونی آمریکا قرار است شمالی - ترین تا جنوبی ترین نقطه ی قاره آمریکا را

دیدارها، مذاکرات و عقب نشینی های لولا اندک اندک در میان بورژوازی نتیجه بخش بود به طوری که مثلاً اوزنیو استوب (Staub)، کارفرمای شرکت گرادیننه با ۳۷۲ میلیون دلار عملکرد برای سال ۲۰۰۱، پیش از دوران انتخابات گفت: "لولا مردی است که می تواند کارفرمایان، کارگران و طبقه ی متوسط را متحد کند. زمان آن رسیده است که کشور متحد شود و نامزدی را انتخاب کند که دارای یک دید استراتژیک برای برزیل است." البته وقتی یک سرمایه دار بزرگی مانند استوب به وحدت طبقاتی اشاره می کند منظوری جز ادامه نظم موجود و استثمار وحشیانه کارگران ندارد که دستمزد متوسطی بین ۷۷۰ تا ۱۰۰۰ دلار در سال دارند هر چند که لولا قول داده که می خواهد این دستمزدها را بالا ببرد که با حفظ نظم فعلی غیر ممکن است زیرا برای بودجه ۲۰۰۳ فقط ۵/۵٪ افزایش در نظر گرفته شده که برابر با ۳ دلار افزایش دستمزد خواهد بود. در نتیجه، لولا که گفته است برزیل به تعهدات خود به صندوق بین المللی پول پای بند خواهد بود به ریاضت بودجه ای هم ادامه خواهد داد. لازم به یادآوری است که در برزیل حقوق کارمندان هم از هشت سال پیش منجمد شده در حالی که هزینه حمل و نقل، دارو و دیگر احتیاجات روزمره مدام افزایش یافته است. این چنین است که ۵۴ میلیون مردم برزیل زیر خط فقر زندگی می کنند و این کشور دارای یکی از ناعادلانه ترین نظام های دست - مزدی در جهان است.

لولا در کارزار انتخاباتی گفته است که می خواهد در پایان ریاست جمهوریش "ماموریت تمام عمرش" را به سرانجام برساند که همانا "سه وعده غذا در روز" برای انبوه گرسنگان این کشور است. اما لولا می خواهد این ماموریت را فقط با موعظه انجام دهد که نشدنی است. آیا لولا نمی داند که ارگان های بزرگ سرمایه داری می دانند که بسیاری در برزیل گرسنه اند؟ لولا در نخستین سخنرانی پس از انتخابش گفت: "بازارها باید بدانند که برزیلیان محتاج سه وعده غذا در روز هستند. در برزیل بسیاری کسانی که گرسنگی می کنند." لولا هرگز برنامه ای ارائه نداده که نشان دهد تا حدی تعدیل نابرابری های عظیم در برزیل باشد. در این کشور ۲۰٪ ثروتمندترین ها ۶۴٪ ثروت ملی را صاحبند در حالی که ۲۰ فقیرترین ها فقط ۲٪ آن را در اختیار دارند. در جمعیت فعال این کشور ۱۲ میلیون نفر بیکارند و ۱۶ میلیون نفر حتی از حداقل دستمزد (۷۷۰ تا ۱۰۰۰ دلار در سال) برخوردار نیستند. بیش از یک میلیون کودک ۱۲ تا ۱۴ ساله مشغول به کار هستند که ۱۰٪ آنان تا ۴۹ ساعت در هفته کار می کنند. برزیل در زمینه ی اجتماعی هم مسایل عدیده ای دارد. ۱۰٪ مردم بی سواد هستند. در سال ۲۰۰۰ بیش از ۴۵۰۰۰ قتل در برزیل صورت گرفته و در سیزده سال گذشته ۳۹۳۷ جوان زیر ۱۸ سال فقط در شهر ریو دو ژانیرو به قتل رسیده اند که این رقم، برای همین مدت زمان، از هزار جوانی که درگیری های اسرائیل - فلسطین کشته شده اند بیشتر است. در همین شهر، بین سالهای ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۰ تعداد جوانان زیر ۱۸ سال که با گلوله کشته شده اند از مجموعه ی کشته شدگان جنگ ها در کلمبیا، یوگسلاوی، سیرالئون، افغانستان، اسرائیل و فلسطین بیشتر بوده است.

قانون بودجه ،

تداوم خصوصی سازی ها و تشدید استثمار کارگران

دهها و صدها هزار کارگر و خانوارهای کارگری تامین بودجه می کند، یک بار دیگر هم چون ارقام بودجه در سایر بخش ها مثلا درآمد از محل مالیات ها متحقق نمی شود، باز هم به سراغ کارگران می آید تا کسری بودجه اش را از محل فروش کارخانجات دولتی، یعنی بیکار سازی، فقر و سیه روزی بیشتر کارگران تامین کند. سوای این موضوع که از همان آغاز تصویب لایحه بودجه سال ۸۱ معلوم بود که دولت با کسری بودجه مواجه خواهد شد و حتی وابستگان به رژیم نیز کسری بودجه را رقمی در حدود ۳۰ تا ۴۰ هزار میلیارد ریال برآورد می کردند، اما امروز نیز اعتراف می کنند که درآمدهای دولت لااقل از محل مالیات ها، تحقق نیافته است و با کسری بودجه مواجه است. دادستان انتظامی مالیاتی در گفتگو با ایسنا می گوید: درشش ماهه اول سال جاری درآمدهای دولتی از محل مالیات ها متحقق نشده است. نباید فراموش کرد که لایحه اصلاح قانون مالیات ها که در بهمن سال ۸۰ به تصویب مجلس رسید، در زمینه معافیت های مالیاتی، امتیازات ویژه ای در اختیار سرمایه داران گذاشت.

هرچند سرمایه داران با استفاده از شیوه های مختلف، از کاغذ بازی و رشوه دهی و یا سند سازی گرفته تا سایر کلک هایی که می زنند و راه قانونی آن را نیز به کمک کارگزاران دولتی پیدامی کنند، عموما از پرداخت مالیات طفره می روند، اما با این مصوبه، سرمایه داران در همان محدوده هایی هم که مالیات می پرداختند، یا از مقدار آن کاسته شد و یا بکلی از آن معاف شدند. همان مسئول امور مالیاتی می گوید: "معافیت مالیاتی سرمایه داران و سرمایه گذاری ها در سال ۸۱ نسبت به (سال) گذشته ۱۰ برابر شده است" که این روند ایجاد تسهیلات بیشتر و معافیت های مالیاتی سرمایه داران با ثقل بیشتری همچنان ادامه خواهد داشت.

روشن است که در این جا هم بخش اصلی درآمد دولت از محل مالیات ها رانیز- تا همان جایی که متحقق شده است - به طور غیر مستقیم، توده های کارگر و زحمتکش و سایر اقشار کم درآمد حقوق بگیر پرداخته اند. با این همه اکنون "دولت اصلاحات" که دیواری کوتاه تر از دیوار کارگران پیدا نکرده است، کارگران را زیر بیشترین فشارهای اقتصادی و معیشتی گذاشته تاجور سرمایه داران را هم که مالیات نپرداخته اند و یا از پرداخت آن معاف شده اند، بکشند!

واقعیت این است که در نظام جمهوری اسلامی مانند هر نظام سرمایه داری دیگری، به مسئله بودجه، نحوه تامین، اختصاص و یاهزینه کردن آن، صرفا از زاویه منافع سرمایه و بازتولید

نیروی کار پرداخته می شود. اساس قضیه، تامین منافع طبقه سرمایه دار است که دولت به عنوان نماینده و پاسدار منافع این طبقه، به نام جامعه، بخشی از حاصل دسترنج کارگران را می گیرد و آن را صرف هزینه دستگاه دولتی می کند. دولتی که به عنوان ارگان سیادت طبقاتی طبقه مسلط، وظیفه اش حفظ نظم موجود و سلطه سیاسی و اقتصادی طبقه سرمایه دار است. اگر اجزینیات مسائل مربوط به بودجه بگذریم، این، بیان بسیار فشرده ای است از مسئله بودجه، نقش و وظیفه دولت در برخورد به این مسئله. معذا به این مسئله نیز باید توجه کرد که در همین راستای کلی و عمومی، رژیم جمهوری اسلامی در عین حال چندین سال سال است که در برخورد به مسئله بودجه و سیاست گزاریهای اقتصادی خود، خواست ها و رهنمودهای انحصارات بین المللی و موسسات مالی آن چون بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را نیز قویا دخالت داده و ضمن پای بندی به اصول و رهنمود های انحصارات جهانی و عملی ساختن تدریجی آن، زمینه اجرای همه جانبه ی سیاست های نئولیبرالی این نهادها را سهل تر نموده است.

خصوصی سازی و تشدید استثمار کارگران

یکی از رهنمودهای انحصارات مالی، واگذاری شرکت های دولتی به بخش خصوصی است. "دولت اصلاحات" که در تمام زمینه ها، چه در زمینه ایجاد تسهیلات مالی برای سرمایه داران و معافیت های مالیاتی، چه در مورد تامین شرایط کارمورد دلخواه سرمایه داران و ضوابط حاکم بین کارگر و کارفرما، رهنمودها و سیاست های نئولیبرالی انحصارات جهانی را الگوی خود قرار داده است، در زمینه خصوص سازیها نیز بر همین مینا عمل نموده است. واگذاری صنایع و کارخانجات و موسسات دولتی آنهم به بهای بسیار ناچیز و در اکثر موارد به افرادی در حلق و حوش سران و یا سرسپردگان حکومتی و "آقایان" و "آقازاده ها" با شتاب حیرت آوری در حال انجام است. پدیده ای که جز غارت و بر باد دادن ثروت های اجتماعی که حاصل دسترنج سالیان دراز طبقه کارگر است، نام دیگری نمی توان بر آن نهاد. مسئله خصوصی سازی ها به نحوی درآمده است که این پدیده در میان برخی از اقشار مردم به "خودمانی سازی" اشتباه یافته است. استنادات زیر، نمونه های بارزی برجذیت رژیم در پذیرش و اجرای سیاست های انحصارات مالی جهانی است. به گفته رادنا، مدیر عامل سازمان صنایع رژیم، از سال گذشته تا مهرماه سال جاری از

صفحه ۶

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان
K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
Kar
Postfach 260
1071, Wien
Austria

دانمارک
I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M. A. M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A. A. A
MBE 265
23, Rue L ecourbe
75015 Paris
France

کانادا
K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایند

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره های فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaian-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaian-minority.org

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)

No.392 nov 2002

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی